

آن گاه که شب درآید و تاریکی آن بر جهان چیره شود،
آن گاه که ستاره‌ای بدرخشد و چشم‌ها از دیدنش خیره شوند
و آن گاه که
تو را می‌ستایم.



هرگاه
هرگاه به آسمان و زمین،
به صخره‌ها و کوه‌های سنگین
یا به درختان و گل‌های رنگین می‌نگرم،
تو را سپاس می‌گویم.
ای خدای مهربان من!
نسیم روح‌افزا نشانی از مهربانی‌ات
بادهای باران‌زا گواه رحمت آسمانی‌ات
صخره‌های سترگ، کوه‌های بزرگ، رودهای جاری و دریا‌های پهناور، نشان دانایی و
توانایی‌ات.

تو را سپاس می‌گویم
که عطا‌هیت از سر مهربانی و نعمت‌های همگانی است.
به تو ایمان دارم و از تو راه می‌جویم
تنها از تو یاری می‌طلبم
و به تو تکیه می‌کنم
تو که در دوستی، بی‌همانند
در مهربانی، بی‌مانند

۱- سترگ: بزرگ



در بخشش، یکتا
و در لطف و نوازش، بی‌همتایی.
تو که پدیدآورنده‌ی آفریدگان
و مالک زمین و آسمانی.
از هر کس به من نزدیک‌تر
و از هر دوستی با من آشناتری.
ای خدای مهربان!
بیناترین بینا، زیباترین زیبا،
داناترین دانا،
خدای یکتا
خدای یگانه و بی‌همتا.
تو را این‌گونه سپاس می‌گویم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

بدانیم

«توحید» یکی از اصول دینی و اعتقادی ما مسلمانان است. توحید یعنی خداوند یکتاست و جز او خدایی نیست. همه‌ی مسلمانان خدای یکتا را می‌پرستند؛ از دستورهایش اطاعت می‌کنند و خواسته‌های خود را تنها به درگاه او می‌برند. آنها هر روز در اذان، اقامه و نماز به یکتایی و یگانگی پروردگار شهادت می‌دهند و او را ستایش می‌کنند. خدایی که مهربان‌ترین مهربانان، بخشنده‌ترین بخشنندگان، داناترین دانایان و تواناترین قدرتمندان است؛ یکتا و یگانه‌ای که هیچ مثل و مانندی ندارد.





خدای یگانه

تو خدای بی نظیری	تو یگانه‌ای و دانا
تو چه خوب و مهربانی	تو که پاکی و توانا
تو به گوش ابر خواندی	که از آسمان ببارد
تو به آفتاب گفتی	به زمین قدم گذارد
تو به چشمه یاد دادی	ز دل زمین بجوشد
به گیاه تشنه گفتی	که از آب آن بنوشد
تو به ژاله ^۱ امر کردی	که به برگ گل نشیند
به خزان اجازه دادی	که گُل از چمن بچیند
به هزار نقش زیبا	گل و سبزه را کشیدی
شب و روز و کوه و دریا	همه را تو آفریدی

ناصر علی اکبر سلطان با اندکی تغییر

❁ در شعر به کدام صفات خداوند اشاره شده است؟

❁ پیام شعر را در چند جمله برای دوستانتان بیان کنید.



این سوره را بخوانید و ترجمه‌ی آن را بنویسید.



به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

- بگو او (۱)
 خداوند است (۲)
 فرزندی ندارد و (۳)
 و همتا و همانندی (۴)

نام این سوره چیست؟

.....

در این سوره به کدام صفت‌های خداوند اشاره شده است؟

.....

به نظر شما چرا این سوره به این نام معروف شده است؟

.....

با کلمه های زیر، چند جمله در ستایش خداوند بنویسید و با او گفت و گو کنید.



A large rectangular area with a pink border, containing ten horizontal dotted lines for writing. The area is decorated with colorful floral patterns at the top and bottom.



خدای من!

با مهربانی‌ات، سپیده‌ی صبح را نشان دادی
و با بزرگی‌ات، تاریکی شب را به روشنایی روز تبدیل ساختی
و از دل سنگ‌های سخت، آب‌های گوارا را روان کردی
و از ابرها، آبی فراوان فرو فرستادی
و خورشید و ماه را چراغ درخشان قرار دادی.
صدایم را بشنو و دعایم را اجابت فرما!
ای مهربان‌ترین مهربانان!

بهترین راهنمایان

«از مسیر اصلی می‌رویم؛ نه از بیراهه. مراقبیم در پرتگاه نیفتیم. اگر کسی از حرکت باز ماند، او را تنها نمی‌گذاریم و همه به او کمک می‌کنیم. تکیه نمی‌کنیم. همگی پشت سر راهنما حرکت می‌کنیم. به طبیعت آسیب نمی‌زنیم و از شتاب‌زدگی پرهیز می‌کنیم...».

آقای رحمتی نکات ضروری را پای کوه به گروه ما تذکر می‌دهد و حرکت را آغاز می‌کنیم. او مربی قرآن ماست. این هفته قرار است جلسه را بالای کوه نزدیک شهر تشکیل دهیم.



از دامنه‌ی کوه بالا می‌رویم.
چه هوای پاک! چه منظره‌ی باشکوه و بی‌نظیری!
سراسر دشت‌ها و دامنه‌ها در برابرمان است و تمام شهر را با یک نگاه می‌بینیم!
بعد از ساعتی حرکت، کنار هم می‌نشینیم. آقای رحمتی می‌گوید:



«موضوع این جلسه‌ی ما «بهترین راهنمایان» است. خیلی‌ها ما را در زندگی راهنمایی می‌کنند و به ما کمک می‌رسانند؛ اما یادمان باشد که راهنمایان اصلی و حقیقی ما کسانی هستند که خدای مهربان آنها را انتخاب کرده است. پیامبران و امامان بهترین راهنمایان ما هستند».

بعد از این مقدمه، بچه‌ها یکی یکی صحبت کردند:
– پیامبر کسی است که از سوی خدا انتخاب شده است. او «پیام» خدا را برای مردم می‌آورد و آنها را به پرستش خدای یگانه دعوت می‌کند.



– پیامبران از بین خود مردم انتخاب می‌شدند و زندگی آنان مثل همه‌ی مردم بود. کارهایی مانند چوپانی و کشاورزی انجام می‌دادند و برای خانواده‌شان زحمت می‌کشیدند.

– بعضی از پیامبران کتاب آسمانی داشتند؛ مثل تورات، انجیل و قرآن.

– گاهی پیامبران برای اینکه ثابت کنند پیامبر هستند، از «مُعْجِزَه» استفاده می‌کردند؛ یعنی کارهایی می‌کردند که مردم عادی نمی‌توانستند آنها را انجام دهند. این معجزات، دلایل روشنی بود که نشان می‌داد آنها از سوی خدا فرستاده شده‌اند.

– اولین پیامبر خدا، حضرت آدم (علیه‌السلام) بود و آخرین پیامبر، حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است.



آقای رحمتی که از حرف‌های بچه‌ها به وجد آمده بود، گفت: «آفرین! نکته‌های ارزشمندی را گفتید.

زندگی مثل کوه‌پیمایی است که اگر نقشه‌ی راه و راهنما نداشته باشیم، نمی‌توانیم به راحتی به قلّه برسیم. راهنمای آگاه، مسیر رسیدن به قلّه را خیلی خوب می‌داند؛ می‌داند که چه پرتگاه‌ها و چه خطرهایی در برابر ماست. پیامبران بهترین راهنمایان زندگی هستند. آنها با دلسوزی و مهربانی، مراقب همه بودند و به بهترین شیوه انسان‌ها را هدایت می‌کردند».

بعد از صحبت‌های آقای رحمتی، قرار شد بچه‌ها از چیزهایی که درباره‌ی زندگی هر یک از پیامبران شنیده‌اند، صحبت کنند. بحث با شور و شغف خاصی در هوای دلپذیر بالای کوه ادامه پیدا کرد....

بدانیم

یکی دیگر از اصول دینی ما مسلمانان، نبوت (پیامبری) است؛ یعنی خداوند مهربان، پیامبرانی را از میان انسان‌های خوب و نیکوکار برگزید تا مردم را هدایت و راهنمایی کنند و آنان را با دستورهای الهی آشنا کنند. آنها انسان‌ها را به خوبی‌ها دعوت می‌کردند و از بدی‌ها باز می‌داشتند؛ با ظلم ظالمان و ستمگران مبارزه می‌کردند و یار مظلومان و نیکوکاران بودند.

برایم بگو

پیامبران مردم را راهنمایی می‌کردند تا....

تدبّر کنیم

این آیات و ترجمه‌ی آنها را بخوانید. هر آیه به چه مطلبی درباره‌ی پیامبران اشاره می‌کند؟

... إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ

(خداوند نعمت بزرگی به مؤمنان بخشید)؛ هنگامی که برای آنها پیامبری از میان خودشان فرستاد.

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۴

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ ...
ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی
نازل کردیم ...

سوره ی حدید، آیه ی ۲۵

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ...
ما برای هر امتی، پیامبری فرستادیم که (می گفت): «خدا ی یکتا را
بپرستید. خدایی غیر از او برای شما نیست ...».

سوره ی مؤمنون، آیه ی ۳۲

گفت وگو کنید

درباره ی هر یک از پیامبران اولوالعزم^۱ چه می دانید؟ در گروه های خود گفت وگو
کنید و نتیجه ی آن را در کلاس گزارش دهید.

۱- پیامبران اولوالعزم: پنج نفرند: حضرت نوح (علیه السلام)، حضرت ابراهیم (علیه السلام)، حضرت موسی (علیه السلام)،
حضرت عیسی (علیه السلام) و حضرت محمد (صلی الله علیه وآله)

ایستگاه فکر

برای آشنایی بیشتر با زندگی و دستورات پیامبران چه راههایی را می‌شناسید؟

تحقیق کنید

به جز پیامبران اولوالعزم، داستان زندگی کدام یک از پیامبران در قرآن آمده است؟ یکی را انتخاب و خلاصه‌ی آن را برای دوستانتان بیان کنید.

عصر عاشورا بود

و سرزمین کربلا آماده‌ی ثبت حماسه‌ای دیگر! این بار نوبت که بود؟

گام‌هایش استوار بود و قلبش بی‌قرار.

نوجوانی چهارده ساله با چهره‌ای تماشایی که چون پاره‌ی ماه می‌درخشید.

آینه‌ی تمام‌نمای پدر بود. پدرش قهرمان جنگ‌های صفّین و نهروان بود و او قهرمان کربلا!

کنار عمو آمد. چشم‌هایش گواهی می‌داد که حرف دلش چیست!

امام حسین (علیه‌السلام) نگاهی سرشار از تحسین به قامت قاسم انداخت؛

قطره‌ی اشکی بر گونه‌ی امام غلتید و بر زمین چکید.



چه لحظه‌ی جان‌سوزی! برایش سخت بود برادرزاده‌اش را که تازه به سنّ نوجوانی رسیده بود، به مبارزه با کسانی بفرستد که هیچ رحمی نداشتند.

– قاسم جان! ای یادگار برادرم، به خیمه‌ها برگرد!

اما قاسم تصمیم خود را گرفته بود؛ می‌خواست به میدان جنگ برود. دستان عمو را محکم در دست گرفت و غرق بوسه کرد و با چشمان خیس بر خواسته‌ی خویش پافشاری کرد.

پس از اصرار فراوان، امام به او اجازه داد و قاسم را به
سوی میدان جنگ بدرقه کرد؛ سپس دست‌ها را برای
دعا بالا برد و او را به خدا سپرد.
قاسم، شمشیر به دست و الله اکبرگویان بر دشمن
تاخت و لرزه بر اندامشان انداخت.

یک‌نوجوان، یک قهرمان	عالم، همه حیران او
زیباتر از مهتاب بود	آن چهره‌ی تابان او
دشمن سراپا ترس شد	از قدرت ایمان او



قاسم از این سو به آن سو حمله می‌کرد و جوانمردانه می‌جنگید. رشادت او تحسین همه را برانگیخت و دشمن را بر خاک ذلت نشانده. ناگهان از همه سو بر او هجوم آوردند و سروِ قامتش را بر خاک انداختند. صدای قاسم بلند شد و عمو را صدا زد. امام حسین (علیه‌السلام) شتابان خود را به بالین قاسم رساند؛ در کنارش زانو زد و پیکرش را در آغوش گرفت. بدن گلگونش بوی گل‌های بهشت می‌داد. امام با مهربانی و عطوفتی وصف‌ناپذیر نگاهش کرد و فرمود: «به خدا قسم برای عمویت سخت است که تو او را صدا بزنی و او نتواند جواب بدهد».

قیام امام حسین (علیه‌السلام)

پس از اینکه حضرت محمّد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از سوی خداوند به پیامبری انتخاب شد، ظالمان و ستمگرانی که حاضر نبودند دستور خدا را بپذیرند، تصمیم گرفتند از هر راهی، دین اسلام را از بین ببرند؛ اما تلاش‌ها و مقاومت‌های پیامبر باعث شد این دشمنان نتوانند به خواسته‌های خود برسند. بعد از پیامبر، معاویه به جنگ با امام علی (علیه‌السلام)، که جانشین پیامبر بود، برخاست. بعد از امام علی (علیه‌السلام)، فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) نیز با نقشه‌ی معاویه به شهادت رسید. در سال ۶۰ هجری قمری، معاویه از دنیا رفت و فرزندش یزید به حکومت رسید. یزید اهل کارهای زشت و ناپسند بود؛ به نماز چندان اهمّیت نمی‌داد و احکام دین خدا را رعایت نمی‌کرد. او آشکارا دین اسلام و حضرت محمّد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را مسخره می‌کرد. فساد او در مردم نیز اثر گذاشته بود. یزید می‌خواست دین اسلام را ریشه‌کن کند و آن را نابود سازد. وقتی به امام حسین (علیه‌السلام) خبر دادند که یزید به حکومت رسیده است، فرمود:

«وای بر اسلام که به حاکمی چون یزید گرفتار شده است».

امام حسین (علیه السلام) در برابر یزید قیام کرد و با فرزندان و خانواده‌اش از مدینه خارج شد. امام مردم را به مبارزه با یزید دعوت می‌کرد و درباره‌ی هدف خود از قیام می‌فرمود:

«همانا من برای اصلاح امتّ جدّم قیام کرده‌ام.
من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.»

اما عده‌ی کمی با او همراه شدند و او را یاری کردند. سرانجام در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری، امام حسین (علیه السلام) و هفتاد و دو تن از یارانش در صحرای کربلا در مقابل لشکر یزید ایستادند و به شهادت رسیدند. پس از شهادت امام حسین (علیه السلام)، مردم از خواب غفلت بیدار شدند و با الگو گرفتن از قیام امام حسین (علیه السلام) در مقابل یزید ایستادند.

برایم بگو

چه قیام‌هایی را می‌شناسید که با الگو گرفتن از قیام امام حسین (علیه السلام)، علیه ظلم و ستم انجام شده است؟

بگرد و پیدا کن

رفتار حضرت قاسم (علیه السلام) شما را یاد چه ویژگی‌هایی می‌اندازد؟

پاسخ سؤالات زیر را به ترتیب اعداد داده شده، از راست به چپ در جدول قرار دهید؛ سپس حروف را به ترتیب کنار هم بخوانید. رمز جدول، یکی از سخنان امام حسین (علیه السلام) است.

۱- نام خواهر امام حسین (علیه السلام)؛ پیام‌رسان کربلا (۱۳-۱۲-۷-۴) ←

۲- جاری شدن اشک از چشم‌ها (۱-۱۷-۲-۳) ←

۳- وقتی به هم می‌رسیم، به یکدیگر می‌گوییم (۸-۱۴-۲۰-۱۶) ←

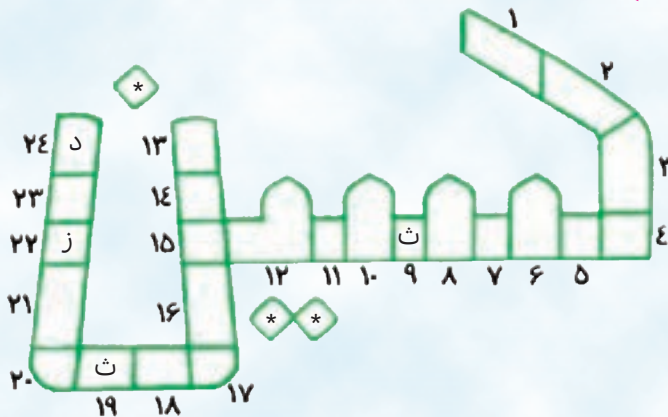
۴- تعداد جزءهای قرآن کریم (۲۱-۶) ←

۵- چه بسا با خواست خدا عده‌ای ... بر عده‌ای زیاد پیروز شوند (سوره‌ی بقره،

آیه‌ی ۲۴۹) (۱۱-۱۵) ←

۶- دعایی از امام علی (علیه السلام) که معمولاً شب‌های جمعه خوانده می‌شود

(۱۰-۲۳-۱۸-۵) ←



امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید:

بیعت نمی‌کند.

به نظر شما این جمله با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟

۱- بیعت: یعنی پذیرش فرمانروایی و حکومت یک فرد

در زمان حکومت بنی امیه، اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود، چه اتفاقی برای اسلام می افتاد؟

بررسی کنید

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله):

امام حسین (علیه السلام) چراغ هدایت و کشتی نجات است.

🌀 برای اینکه یک کشتی بتواند از جان انسان ها در دریا های طوفانی محافظت کند و آنها را به مقصد برساند، چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

🌀 به نظر شما چرا امام حسین (علیه السلام) کشتی نجات معرّفی شده اند؟

🌀 چه کسانی می توانند سرنشینان این کشتی باشند؟

گفت‌وگو کنید



شما به عنوان یک نوجوان مسلمان برای زنده نگه داشتن نام و قیام امام حسین (علیه السلام) چه کارهایی انجام می‌دهید؟

تحقیق کنید



درباره‌ی کودکان و نوجوانان دیگری که در حماسه‌ی کربلا حاضر بودند، تحقیق کنید و آن را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.



تابستان آمده است ...

چند بچه بدون توجه از خانه‌ی خود دور می‌شوند و به سراغ ماجراجویی می‌روند. آنها داخل دیواری که بین برگ‌ها پنهان شده است، یک درِ کوچک می‌بینند. با تعجب به هم نگاه می‌کنند. گویی می‌خواهند بپرسند این در به کجا باز می‌شود ... و برای باز کردن در تلاش می‌کنند!

مهدی و هادی، بازی خود را قطع و آنها را تماشا می‌کنند. بچه‌ها، زور بازویشان را به کار می‌گیرند و بالاخره در با صدای جیغ‌مانندی باز می‌شود. هادی جلو می‌رود و به آنها می‌گوید: «بچه‌ها ورود به این باغ ممنوع است». ولی آنها بدون توجه به حرف هادی، وارد باغ می‌شوند. مهدی می‌گوید: «بچه‌ها شما نباید بدون اجازه‌ی صاحب باغ وارد آن بشوید». آنها باز هم توجهی نمی‌کنند.

آنجا یک باغ کوچک است؛ با دیوارهایی نسبتاً بلند و حوضچه‌ای پر از آب در وسط آن. هیچ‌کسی آنجا نیست.

مهدی دوباره از بیرون باغ با صدای بلند به آنها می‌گوید: «شما اجازه ندارید در آن باغ بازی کنید ... آنجا یک مکان خصوصی است». اما آنها به گشت‌وگذار خود در باغ ادامه می‌دهند. مهدی و هادی با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کنند و می‌گویند: «آنها به تذکر ما توجه نمی‌کنند. چگونه آنها را متوجه خطایشان کنیم؟»



بچه‌ها در گوشه‌ای از باغ یک دوچرخه پیدا می‌کنند؛ دوچرخه قدیمی و خراب است؛ ولی راه می‌رود. آن طرف‌تر یک نیمکت است و در کنارش درختی با انجیرهای رسیده. تمام اطراف پر از علف است و بوی گل‌های معطر همه‌جا به مشام می‌رسد؛ گل‌های قرمز و زرد و ...

بچه‌ها فریاد می‌زنند: «جانمی جان ... این باغ جای خوبی برای بازی است!» و شروع می‌کنند به خوردن انجیرها! آنها تعداد زیادی از گل‌ها را زیر پا له می‌کنند! سپس چند نفری سوار دوچرخه می‌شوند و در حالی که با عجله، نزدیک به دیوار دور می‌زنند، فریاد می‌کشند: «این باغ ماست ... باغ سرتی ما...!»

ناگهان صاحب باغ از راه می‌رسد و با ابروهای گره‌خورده بچه‌ها را نگاه می‌کند. ... آنها از درد به خود می‌پیچند.



هادی و مهدی برای آگاه کردن بچه‌ها چه کارهای دیگری می‌توانستند انجام دهند؟



این آیه را بخوانید.

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

باید از میان شما، جمعی باشند که را به دعوت
کنند و آنها را به کارهای فراخوانند و از بازدارند.
آنها همان رستگاران هستند.

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۴

با این کلمه‌ها، ترجمه‌ی آیه را کامل کنید: خوب؛ نیکی؛ دیگران؛ زشتی‌ها

با توجه به معنای آیه، به کار هادی و مهدی در دین چه می‌گویند؟

بررسی کنید

کدام یک از جملات، به «امر به معروف» و کدام یک به «نهی از منکر» مربوط است؟

خوش قول و خوش رفتار باشید تا
همه شما را دوست داشته باشند.



امر به
معروف

نهی از
منکر

به نماز نگو کار دارم؛ به کار بگو
وقت نماز است.



در کار دیگران تجسس نکنید.

مدرسه، خانه‌ی دوم ماست؛ در حفظ
تمیزی و زیبایی آن بکوشیم.

گفت‌وگو کنید

- ❁ اگر کسی خطایی کند، شما چه می‌کنید؟
- ❁ اگر شما خطا کنید، دوست دارید چگونه شما را متوجه اشتباهتان بکنند؟

ایستگاه فکر

- ❁ تشویق کردن دیگران به کارهای خوب چه اثری دارد؟
- ❁ تذکر دادن به دیگران درباره‌ی کارهای بد چه ضرورتی دارد؟

اگر امر به معروف هم می‌خواهی بکنی، خیلی آهسته،

مثل آینه باش!

آینه داد نمی‌زند: «یقہات بد است!»

وقتی روبه روی آینه می‌ایستی، جیغ نمی‌کشد: «چرا موی سرت

این جور است؟!»

سکوت محض است،

هیچ کس خبردار نیست جز تو و آینه....

استاد حسن‌زاده آملی

شتریان با ایمان

نامش صفوان بود و کارش کرایه دادن شتر به مسافران. از یاران امام کاظم (علیه السلام) بود و در زمان هارون عبّاسی می‌زیست؛ همان خلیفه‌ای که مثل همه‌ی خلفای عبّاسی به ستمگری و کینه‌توزی و زراندوزی عادت کرده بود!

آن سال، هارون می‌خواست با دربارانش به سفر حج برود. او می‌خواست با سفر حج، فریب‌کارانه، خود را فردی دین‌دار، نشان دهد. هارون به یکی از مأمورانش گفت: «تعداد ما زیاد است و شترانمان کم. برو و چند شتر از صفوان کرایه کن».

مأمور هارون نزد صفوان آمد و درخواست خلیفه را به او گفت. صفوان لحظه‌ای با خود اندیشید. از سویی هارون از دشمنان مولایش امام کاظم (علیه السلام) بود و از سوی دیگر از این معامله‌ی پرسود نیز نمی‌توانست



بگذرد؛ زیرا هارون شتران زیادی می‌خواست؛ آن هم برای چند ماه. صفوان با خود گفت: «چه عیبی دارد؟ هارون شتران را برای سفر حج می‌خواهد و حج هم عبادتی ارزشمند است و از این راه به سود زیادی هم خواهم رسید!» چند روز بعد خدمت امام کاظم (علیه‌السلام) رسید. چهره امام کمی گرفته بود.

– کار پسندیده‌ای نکردی صفوان!

صفوان شگفت‌زده شد.

– کدام کار؟!

– کرایه دادن شتران به هارون.

– هارون آنها را برای زیارت خانه‌ی خدا می‌خواست نه برای تفریح و شکار!

– آیا دوست نداری هارون تا زمان پرداخت کرایه زنده بماند؟

– آری آری! دوست دارم زنده بماند تا برگردد و کرایه‌ام را بپردازد.

امام کاظم (علیه‌السلام) فرمود:

«هر کس زنده ماندن ستمگران را دوست بدارد، از آنان است و در آتش دوزخ جای خواهد داشت.»

صفوان از این هشدار مهم به خود آمد و سر به زیر افکند. برای نجات از ننگی یاری کردن ستمگر، همه‌ی شترانش را فروخت تا به هارون کرایه ندهد.

خدا در قرآن، همه‌ی ما مسلمانان را برادر یکدیگر شمرده و به ما سفارش کرده است که به یکدیگر محبت بورزیم و انسان‌های باایمان و نیکوکار را دوست بداریم. همچنین از کسانی که با دین خدا و پیامبر او و اهل بیتش (علیهم‌السلام) دشمنی می‌ورزند، دوری و راه خود را از آنها جدا کنیم. خداوند در قرآن می‌فرماید:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

محمد رسول خدا و یارانش، در برابر دشمنان کافر،
سرسخت و استوار و با یکدیگر مهربان و نیک‌رفتارند.

سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۹



درباره‌ی پیام آیه‌ای که خواندید با دوستانتان گفت‌وگو کنید.
 بر اساس این آیه، یکی از وظایف دینی ما مسلمانان، «تَوَلّی» و «تَبَرّی» است.
 «تَوَلّی» یعنی ما باید مؤمنان را که دوستان خدا هستند، دوست بداریم.
 «تَبَرّی» به این معناست که ما باید کافران ستمکار را که دشمنان خدا هستند، دشمن بداریم و از آنها بیزاری بجویم؛ چنان‌که حضرت ابراهیم (علیه السلام) وقتی فهمید سرپرست او بت‌پرست است و حاضر نیست از کار خود دست بردارد، از او بیزاری جست:

فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ

هنگامی که ابراهیم فهمید، سرپرستش دشمن خداست
 از او بیزاری جست.

سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۱۴



در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی روز سیزده آبان، «روز ملی مبارزه با استکبار» نام گرفته است. در این روز همه‌ی مردم به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان، یکدل و یک‌صدا با شعارهایی مانند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» بیزاری خود را از دولت‌های زورگو و ستمگر اعلام می‌کنند.
 این تَبَرّی و اعلام بیزاری، موجب اتحاد و یکرنگی مسلمانان در جامعه می‌شود و آنها را در برابر دشمنانشان مقاوم‌تر می‌سازد.



کامل کنید

ویژگی‌های دشمنان خدا

ویژگی‌های دوستان خدا

۱- ستمگر

۱-

۲-

۲-

۳-

۳- اطاعت از دستورهای خدا

بگرد و پیدا کن

جمله‌ی مربوط به هر مفهوم را مشخص کنید.

دوستی با دوستان خدا

راهپیمایی عظیم ۲۲ بهمن و ۱۳ آبان

دشمنی با دشمنان خدا

دوستی با اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله)

حمایت از مردم ستم‌دیده‌ی فلسطین

مبارزه با استکبار جهانی

ساکت نماندن در برابر ظالمان

رفتن به زیارت امام رضا (علیه السلام)

تبری

تولی



هر آیه به کدام یک از این دو مفهوم اشاره می‌کند؟

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ

(ای پیامبر به مؤمنان) بگو برای رسالت من از شما پاداشی جز دوست داشتن اهل بیت من نمی‌خواهم.

تولی
تبری

سوره شوری، آیه ۲۳

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

افراد باایمان، نباید کافران را به دوستی خود انتخاب کنند.

تولی
تبری

سوره آل عمران، آیه ۲۸

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي

(ای پیامبر به مؤمنان) بگو

«اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید.»

تولی
تبری

سوره آل عمران، آیه ۳۱

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ

مؤمنان برادر یکدیگرند.

تولی
تبری

سوره حُجرات، آیه ۱۰

ایستگاه فکر



❁ امام حسین (علیه السلام) چه ویژگی‌هایی داشتند؟

❁ یزید چه ویژگی‌هایی داشت؟

❁ چرا امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «هرگز کسی مثل من با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند».

تحقیق کنید



چه حادثه‌ای موجب شد روز ۱۳ آبان را روز «دانش‌آموز» بنامند؟ این حادثه با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟

با خانواده



در کدام یک از مراسم اسلامی به موضوع «تبری» بسیار اهمیت داده شده است؟

سال‌ها آرزو داشت بتواند در مزرعه‌ی امام کاظم (علیه‌السلام) مشغول به کار شود. او می‌دانست که آن حضرت درآمد کشاورزی خود را در اختیار فقیران قرار می‌دهد. هنگام ناهار، سفره‌ی بزرگی پهن شده بود و همه‌ی کارگران دور آن نشسته بودند؛ اما کسی دست به غذا نمی‌برد. گویا منتظر کسی بودند. چند لحظه‌ای گذشت که امام با لبخندی بر لب، وارد شد، سلام کرد و کنار سفره نشست. باورش نمی‌شد! آیا امام با کارگران خود بر سر یک سفره می‌نشیند؟ امام نام خدا را بر زبان آورد و همگی مشغول خوردن غذا شدند. غذا که تمام شد، امام خدا را شکر گفت و سپس رو به کارگران کرد و فرمود: «اگر ممکن است کمی بنشینید، مشکلی پیش آمده است که می‌خواهم درباره‌ی آن با شما مشورت کنم». او رو به سوی امام کرد و گفت: «آیا شما با این علم و مقام می‌خواهید با ما که کارگریم، مشورت کنید؟»



امام کاظم (علیه السلام) با مهربانی نگاهی به او کرد و فرمود: «شاید چیزی که خدا به ذهن شما می‌آورد، راه حلّ این مشکل باشد». این رفتار، عشق و علاقه‌ی او را به امام بیشتر کرد و تازه فهمید که چرا خداوند ایشان را امام و پیشوای مسلمانان قرار داده است.

ایستگاه فکر

فکر می‌کنید امامان (علیهم السلام) چه ویژگی‌هایی داشتند که خداوند ایشان را پیشوای ما قرار داده است؟

اهل بیت در قرآن

قرآن، کتاب هدایت و راهنمایی مردم است و بهترین راه هدایت، معرّفی الگوهای برتر و انسان‌های نمونه است. در یکی از آیات قرآن می‌خوانیم:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

همانا خدا اراده کرده است که همه‌ی پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها را از شما
اهل بیت دور سازد و شما را پاک و مطهّر گرداند.

سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳

اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) پاک‌ترین انسان‌ها هستند. آنها با رفتار نیک و دوری از کارهای زشت و ناپسند، پاک شده‌اند و می‌توانند الگوی مسلمانان باشند. ایشان در برخورد با مردم، بسیار مهربان و خوش اخلاق بودند. خطای دیگران را به راحتی می‌بخشیدند و آنان را سرزنش نمی‌کردند. با هیچ‌کس مغرورانه سخن نمی‌گفتند و کسی را با لقب‌های زشت و ناپسند صدا نمی‌زدند. اگر کسی نزد آنان به غیبت دیگران زبان می‌گشود، جلوی او را می‌گرفتند. با شوخی‌های سالم و مفید، دیگران را شاد می‌کردند و می‌فرمودند هر کسی مؤمنی را شاد کند، خدا را خشنود کرده است؛ اما به بهانه‌ی شوخی، کسی را مسخره نمی‌کردند. به فکر دوستان و یاران

خود بودند؛ اگر مسافر بودند، دعای ایشان بدرقه‌ی راهشان بود و اگر بیمار بودند به عیادت آنان می‌رفتند و با سخنان دلگرم‌کننده به آنان امیدواری می‌دادند. ایشان همچنین دانشمندترین و باایمان‌ترین مردم زمان خود بودند، از هرگونه خطا و اشتباه به دور بودند و مردم را با آگاهی کامل از دستور دین، هدایت و راهنمایی می‌کردند. با ظالمان و ستمگران زمان خود مبارزه می‌نمودند و همگی در این راه تا پای جان ایستادگی می‌کردند.



اینها تنها گوشه‌ای از رفتارهای پسندیده و صفات نیک پیشوایان دینی ماست. همین ویژگی‌ها باعث شد خداوند آنان را پیشوای مسلمانان قرار دهد.

بدانیم



«امامت»، یکی دیگر از اصول اعتقادی ما است. ما معتقدیم که خداوند، جانشینان پس از حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را نیز تعیین، و از طریق پیامبر به مردم معرفی کرده است. ایشان که دوازده نفرند، با عنوان «امام» شناخته می‌شوند. امام کسی است که به فرمان الهی و با آگاهی کامل از آموزه‌های دین، بعد از پیامبر، رهبری جامعه اسلامی را برعهده می‌گیرد. همه‌ی مسلمانان ایشان را به عنوان امام و رهبر خود پذیرفته‌اند و از دستور ایشان اطاعت می‌کنند.

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بارها جانشینان و پیشوایان بعد از خود را به مردم معرفی کرده است. در حدیثی از ایشان می‌خوانیم: «جانشین بعد از من، علی و بعد از او دو نوه‌ام، حسن و حسین هستند؛ سپس نه نفر از فرزندان حسین به ترتیب، وصی و جانشین ایشان هستند. آخرین آنها مهدی است که از دید مردم غایب می‌شود».

هر یک از امامان قبل از شهادت، امام بعد از خود را به مردم معرفی می‌کرد تا مردم در تشخیص امام و رهبر خود دچار تردید یا گمراهی نشوند و او چراغ هدایت همه‌ی مردم و پرچم‌دار مبارزه با ظلم حاکمان باشد.

گفت‌وگو کنید

با کمک دوستانتان نام دیگری برای درس بیابید. دلیل انتخاب خود را نیز بگویید.

بین و بگو



هر یک از این تصویرها با کدام یک از ویژگی‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) ارتباط دارد؟



تدبّر کنیم

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا

هر کس ما را دوست دارد،

پس شبیه ما عمل می‌کند.

با توجّه به معنای این حدیث، در موارد زیر بهترین برخورد چیست؟

❁ کسی شما را مسخره می‌کند یا به شما ناسزا می‌گوید. شما از دست او خیلی ناراحت و عصبانی هستید و تصمیم می‌گیرید...

❁ در بازی، دوستان ناخواسته به شما برخورد می‌کند. روی زمین می‌افتید و پایتان زخمی می‌شود. به سرعت بلند می‌شوید، به طرف او می‌روید و

❁ یکی از صمیمی‌ترین دوستانتان در حضور شما از دیگران بدگویی می‌کند؛ شما....

کامل کنید

نام امامان عزیزمان را به ترتیب بنویسید و جاهای خالی را پر کنید.

آنچه درباره‌ی ایشان می‌دانیم

امامان عزیز ما ...

..... ❁

..... ❁

..... ❁

..... ❁

..... ❁

..... ❁

..... ❁

..... ❁

..... ❁

..... ❁

..... ❁

❁ امام اوّل:

❁ امام دوم:

❁ امام سوم:

❁ امام چهارم:

❁ امام پنجم:

❁ امام ششم:

❁ امام هفتم:

❁ امام هشتم:

❁ امام نهم:

❁ امام دهم:

❁ امام یازدهم:

❁ امام دوازدهم:

بررسی کنید



به نظر شما، ما چه وظایفی نسبت به امامان مهربانمان داریم؟

✿ سعی کنیم با مطالعه‌ی ...

✿ در برگزاری مراسم جشن میلاد یا مراسم عزاداری شهادت ایشان ...

✿ در صورت امکان، زیارت ...

✿ در زندگی ...

ایستگاه خلاقیت



به کمک دوستانتان در گروه، حدیثی از اهل بیت (علیهم‌السلام) که برای شما دلنشین بوده است، انتخاب کنید؛ آن را با خطّ خوش بنویسید. سپس تزیین و در کلاس نصب کنید.

تحقیق کنید



داستان‌هایی از زندگی امامان (علیهم‌السلام) را از کتاب «داستان راستان» نوشته‌ی دانشمند شهید مرتضی مطهری، انتخاب کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.



ای پروردگار من!

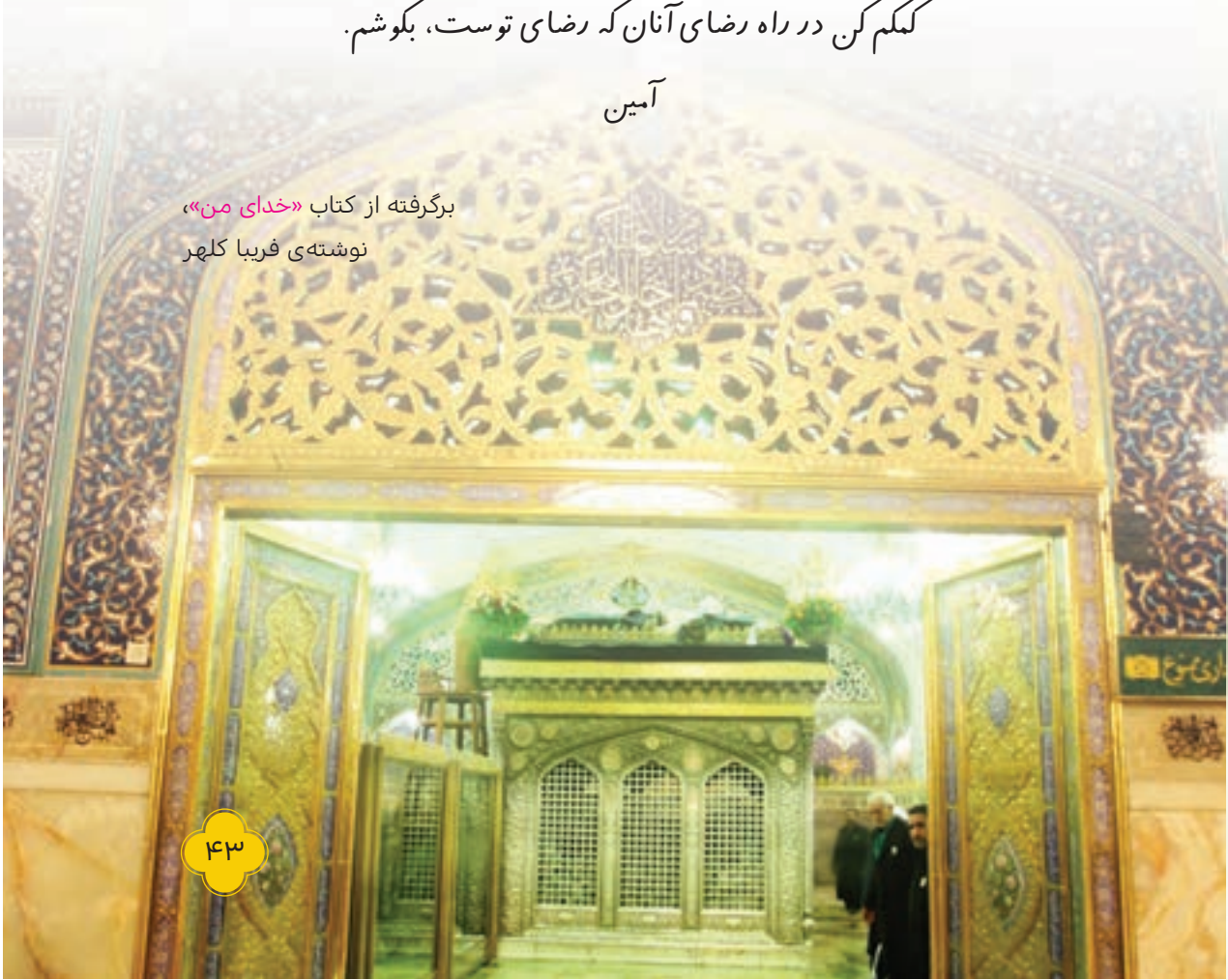
مرا به راه امامان معصوم هدایت کن؛ به راه آنان که، چه توانگر بودند
و چه تنگدست، همواره بخشنده بودند.
ای بهترین هدایت کننده! تو که امامان را از هر ناپاکی، پاک گردانیدی،
محبت آنان را در دل من قرار بده و آنان را از من راضی گردان.

خداوندا!

لکلم کن در راه رضای آنان که رضای توست، بگو شم.

آمین

برگرفته از کتاب «خداي من»،
نوشته‌ی فریبا کلهر



دست در دست دوست

غروب حیرت‌انگیزی است.
آسمان حالت دیگری دارد.
پرنده‌گان هرکدام راهی لانه‌ی خود شده‌اند.
روشنایی روز کم‌کم در حال بی‌رمق شدن است.
انگار اتفاق عجیبی در راه است.
شب شگفتی است.
حس دیگری دارم.
سوار بر اسب به سمت حرم سیدالشهدا (علیه‌السلام)، پیش می‌روم.
تنهایی، تاریکی، سکوت،
نسیم خنکی در حال وزیدن است.
حال دیگری دارم.
گویا کسی مرا به خود می‌خواند.
مگر قرار است چه اتفاق مهمی بیفتد؟
صدای باد، همدم من در آن فضای تاریک است.
اما من، آرام و بی‌صدا در دل ذکر می‌گویم.



اللّٰهُ اكْبَرُ، اللّٰهُ اكْبَرُ ...
الحمد لله، الحمد لله ...
سبحان الله، سبحان الله ...
از فاصله‌ای نه چندان دور، صدایی توّجه مرا به خود جلب می‌کند.
گوش خود را به باد می‌سپارم.
گویی صدای پای کسی است.
آرام آرام نزدیک می‌شود.
نزدیک و نزدیک‌تر،
باوقار، سنگین و نرم،
دیگر فاصله‌ای نمانده است، چهره‌اش را به خوبی می‌بینم.
مردی شگفت، بلندبالا، خوش‌سیما و دوست‌داشتنی،
از دیدن چهره‌ی زیبا و روحانی او و همچنین لبخند شیرینش، آرامشی در من ایجاد شده است.
مانده‌ام چه بگویم، واژه‌ها تاب عظمت او را ندارند.
سلام می‌کند و مرا به نام صدا می‌زند و می‌پرسد: «در این شب جمعه به کجا می‌روی، ای شیخ حسن حلّی؟»
خدایا، او کیست؟
نام مرا از کجا می‌دانند؟
در این وقت شب با من چه کار دارد؟
شکوه و عظمتش مانع می‌شود که نامش را بپرسم.



می‌گویم: «برای زیارت به حرم آقا و مولایم امام حسین (علیه‌السلام) می‌روم».

چیزی نمی‌گوید؛ اما چهره و نگاهش بیان‌کننده‌ی رضایت قلبی او از این کار است. سکوتی معنادار حکمفرما شده است.

در کنار یکدیگر به سمت حرم حرکت می‌کنیم.

به دقت، حرکات و رفتارش را نظاره می‌کنم.

حالم دگرگون است.

نمی‌دانم چه بگویم و چگونه بر این حالت خود مسلط شوم.

سخنانی کوتاه بین من و او رد و بدل می‌شود.

چقدر دوست دارم این گفت‌وگو ادامه پیدا کند.

سؤالاتی چند از آن بزرگوار می‌پرسم.

با کمال حیرت، سؤالات را یک به یک و به آسانی هرچه تمام‌تر پاسخ می‌گوید.

احساس می‌کنم با مرد فاضل و دانشمندی روبه‌رو هستم؛ لذا فرصت را غنیمت می‌شمرم و سؤالات دیگری که ذهنم را به خود مشغول کرده و تا آن زمان برای آنها جواب مناسبی نیافته‌ام، می‌پرسم.

پرسش‌ها و پاسخ‌های روشن در پی هم تا اینکه مسئله‌ای می‌پرسم و او پاسخی می‌دهد. به نظرم سند سخن را در کتاب و روایتی ندیده‌ام.

با مهربانی به من می‌فرماید: «هنگامی که به منزل بازگشتی فلان کتاب را باز کن، فلان صفحه و فلان سطر آن را بخوان».

ناگهان به خود می‌آیم و با خود می‌گویم، شاید این شخص که در کنارم می‌آید و چنین مطلع و آگاه است، مولای عزیزم امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) باشد. برای اینکه واقعیت برایم معلوم شود، می‌پرسم: «آیا من می‌توانم حضرت صاحب‌الزمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) را ببینم یا نه؟»

در همین حال کمی به من نزدیک‌تر می‌شود و دستش را در دستم می‌گذارد و این جمله‌ی به‌یادماندنی را بر زبان می‌آورد که:

«چگونه صاحب‌الزمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) را نمی‌توان دید و حال اینکه دست او در دست توست؟»

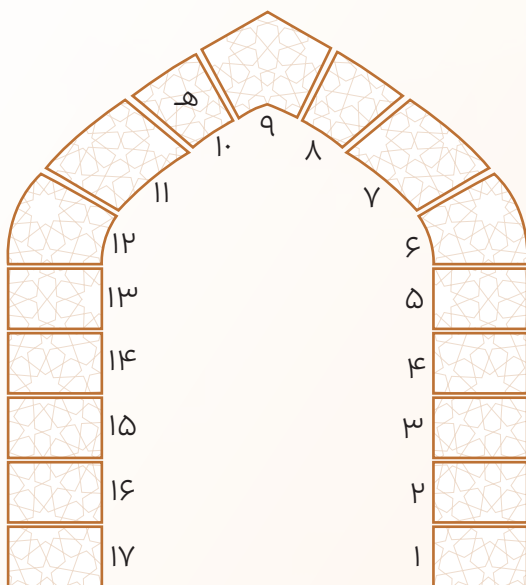
با شنیدن این سخن بی‌اختیار از شدت شوق از حال می‌روم و بیهوش می‌شوم.

وقتی به هوش می‌آیم با حیرت و شگفتی به اطراف می‌نگرم تا شاید روی زیبای او

را دوباره ببینم. مات و حیران مانده‌ام، دستی به سر و صورتم می‌کشم و دقیق‌تر به دور و بر خود نگاه می‌کنم؛ اما کسی را نمی‌بینم. افسوس که او رفته است. باران اشک امانم نمی‌دهد. لحظه‌ای چهره‌ی زیبای او را فراموش نمی‌کنم. اینک من مانده‌ام و حسرت دیدار دوباره.

کامل کنید

پاسخ سؤالات زیر را به ترتیب اعداد جدول بنویسید؛ سپس حروف را به ترتیب، کنار هم بگذارید و بخوانید. جمله‌ی به دست آمده، یکی از سخنان امام زمان (علیه السلام) است.



- ۱- اگر جایی آب نداشتیم برای نماز خواندن به جای وضو آن را انجام می‌دهیم. (۱۶-۵-۱۷-۱۲)
- ۲- شهر امام رضا (علیه السلام) است. (۷-۱۱-۱۴-۶)
- ۳- با گرفتن آن، نماز آیات واجب می‌شود. (۸-۱۳-۹)
- ۴- تعداد امامان بعد از امام حسین (علیه السلام) (۲-۴)
- ۵- حیوانی که به نام ذوالجناح می‌شناسیم. (۳-۱۵-۶)

امام زمان (علیه السلام) می‌فرماید:

«.....»

به نظر شما این جمله با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟

نامه‌ای به دوست

نامه‌ای به امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ قَرَجَه) بنویسید و هر چه می‌خواهید به او بگویید و هر چه دوست دارید از او بخواهید.



عهد با دوست

سال گذشته در درس «خورشید پشت ابر»، عهد‌هایی با امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) بستید.

آیا عهد‌های خود را به خاطر می‌آورید؟ فکر می‌کنید چقدر در انجام دادن آنها موفق بوده‌اید؟

اگر امسال بخواهید پیمان خود را با امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) تجدید کنید، چه عهد‌هایی با او می‌بندید؟

❁ قول می‌دهم که از امروز

•

❁ تلاش می‌کنم تا

•



گفت‌وگو کنید



فکر کنید و با مشورت دوستانتان بگویید ما چگونه می‌توانیم از توجّه امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) و دعا‌های ایشان بهره‌مند شویم؟

با خانواده



چه دعا‌هایی درباره‌ی امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ) می‌شناسید؟

ا- عهد یعنی: قول و قرار با کسی

چه روزگار سختی!

خلیفه‌ی عباسی به تمام جاسوسان و مأموران دستور داده بود تا همه جا را زیر نظر بگیرند و هر جا امام مهدی (علیه‌السلام) را دیدند، دستگیر کنند و به دربار بیاورند. جاسوسی، تعقیب، دستگیری، زندان، آزار و اذیت و به شهادت رساندن؛ اینها عادت و روش همیشگی خلفای عباسی در برابر امامان معصوم (علیهم‌السلام) بود. به‌ویژه از زمان امام کاظم (علیه‌السلام) به بعد که با شدت بیشتری این روش دنبال می‌شد. با همه‌ی این ستم‌ها باز به نتیجه نرسیده بودند و درخت سربلند امامت روز به روز بالنده‌تر و ثمربخش‌تر می‌شد و سایه‌ی گسترده‌اش سرپناهی امن برای اهل ایمان بود.

دشمنان خدا قبل از تولد امام مهدی (علیه‌السلام) می‌خواستند از ولادت ایشان جلوگیری کنند ولی به لطف خدا نقشه‌ی آنها نقش بر آب شد. در دوران کودکی نیز نتوانستند به ایشان دسترسی پیدا کنند. بعد از شهادت امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، امام مهدی (علیه‌السلام) امام و پیشوای مردم شد و خلیفه که از این رویداد بسیار ناراحت و پریشان شده بود، تمام نیروهای خویش را به کار گرفت تا هر چه سریع‌تر امام مهدی (علیه‌السلام) را دستگیر کند.

امام مهدی (علیه‌السلام) به فرمان خداوند از دید مردم پنهان شد تا کسی نتواند به ایشان دسترسی پیدا کند. از این زمان، «دوران غیبت» ایشان شروع شد. این غیبت، غیبت کوتاه مدّت یا غیبت صُغری نامیده می‌شود که ۶۹ سال طول کشید. در این دوران، امام مهدی (علیه‌السلام) برای ارتباط با مردم، افراد خاصی را انتخاب کردند تا جانشین ایشان بین مردم باشند.

جانشینان امام، که تعدادشان چهار نفر بود در طول این ۶۹ سال، یکی پس از دیگری به نوبت جانشین امام مهدی (علیه السلام) شدند. آنها انسان‌هایی بسیار دانا، با ایمان و مورد اعتماد امام بودند و وظایف بسیار مهمی به عهده داشتند. آنها با گروه‌های مختلف مردم ارتباط برقرار می‌کردند. از مشکلات فردی و اجتماعی و نیز پرسش‌های مختلفی که مردم درباره‌ی احکام و معارف دینی می‌کردند، آگاه می‌شدند. سپس آنها را به اطلاع امام مهدی (علیه السلام) می‌رساندند و توصیه‌هایی را که امام برای رفع مشکلات می‌کردند و پاسخ‌هایی را که در جواب پرسش‌ها داده بودند به گوش مردم می‌رساندند. بعد از این چهار نفر، امام مهدی (علیه السلام)، فرد خاصی را به عنوان جانشین معرّفی نکردند. از آن زمان به بعد، دوران غیبت بلند مدّت امام یعنی غیبت کُبریّ فرا رسید که تا همین امروز ادامه دارد.

یک پرسش



در این دوران، که امام مهدی (علیه السلام) جانشین خاصی را به مردم معرّفی نکردند، چه کسی به پرسش‌های دینی مردم پاسخ می‌دهد؟ جامعه‌ی اسلامی را چه کسی باید مدیریت کند؟

اگرچه امام مهدی (علیه السلام) در دوره‌ی غیبت کبری، فرد یا افراد خاصی را به عنوان جانشین خود معرّفی نکردند، به مردم سفارش کردند که در این دوران به عالمان و فقیهان پرهیزکاری مراجعه کنند که با احکام و معارف دینی آشنایی کامل دارند. این عالمان پرهیزکار در زمان حاضر، مراجع تقلید دینی هستند که به عنوان جانشینان امام زمان (علیه السلام) شناخته می‌شوند. ما برای آگاهی از احکام دین باید به آنها مراجعه، و از دستورهای آنان پیروی کنیم. البته رهبری جامعه‌ی اسلامی بر عهده‌ی یکی از ایشان است که به عنوان ولیّ فقیه شناخته می‌شود. ولیّ فقیه با آگاهی کامل از دستورهای دینی و اوضاع اجتماعی و سیاسی، جامعه را اداره می‌کند. یکی از این جانشینان در روزگار ما، امام خمینی (رحمة الله علیه) بود. مردم ایران به رهبری این عالم و مرجع بزرگ دینی توانستند حکومت ضدّ مردمی و ضدّ دینی شاه را سرنگون کنند و جمهوری اسلامی را به وجود آورند. آنان چون امام خمینی (رحمة الله علیه) را جانشین امام زمان (علیه السلام) می‌دانستند، از او پیروی می‌کردند.

گفت‌وگو کنید

اگر برای شناخت وظایف دینی به مراجع تقلید مراجعه نکنیم، چه مشکلاتی برای ما پیش می‌آید؟

بررسی کنید

این جمله از امام خمینی (رحمة الله علیه) را بخوانید.

این سخن امام خمینی (رحمة الله علیه) با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟





این تصویر با کدام قسمت از درس ارتباط دارد؟



با خانواده‌ی خود گفت‌وگو کنید که چگونه یک مرجع تقلید برای خود انتخاب می‌کنیم؟